

اثری سودمند در کتابشناسی فقه شیعه

ابو حسن رضوانشهری

شده و مشتمل بر نام و نشان ۳۰۵ منبع از منابع فقهی اسلامی به زبان عربی است، در لیست منابع فقه شیعه اثناعشری تنها دو کتاب (شرایع الاسلام و مختصر نافع) نام برده شده است. بگذریم که مذهب خوارج اباضی را نیز شاخه‌ای از تشیع دانسته و آن را ذیل مکاتب فقه شیعه قرار داده‌اند.

این کسب‌و‌خلاقه، نویسنده را که از شیفتگان نظام فقاقت و مکتب حقوقی شیعی است بر آن داشت که به عنوان نخستین گام برای معرفی این نظام پیشرفته و قویم و مستحکم علمی ... اثری فشرده در اختیار خوانندگان و علاقمندان مباحث حقوقی قرار دهد، که در آن خطوط اصلی این مکتب نشان داده شده و فهرستی از منابعی که یک پژوهنده آشنا به زبانهای شرقی می‌تواند از آنها برای یک کار تحقیقی پیرامون این مکتب استفاده کند در دسترس بگذارد.» (ص ۷ و ۸)

این اثر شامل دو قسمت است: قسمت اول از صفحه ۹ تا ۶۲، با عنوان ساختمان کلی فقه شیعه، و قسمت دوم از صفحه ۶۳ تا ۴۰۶، با عنوان بخشی از اهم منابع فقه، و به دنبال آن از صفحه ۴۰۷ تا پایان کتاب (صفحه ۴۴۷)، مآخذ کتاب و مشخصات کتابخانه‌ها و فهرستها آمده است.

قسمت اول این اثر، عیناً همان فصل اول از کتاب زمین در فقه اسلامی (ج ۱، ص ۲۱-۷۴)؛ اثر دیگر مؤلف است. خوب بود در مقدمه یادآوری می‌شد که این قسمت، همان فصل اول

مقدمه‌ای بر فقه شیعه، کلیات و کتابشناسی. حسین مدرسی طباطبائی. ترجمه محمد آصف فکرت. (چاپ اول: مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۶۸). ۴۴۷ ص، وزیری.

(نویسنده کتاب پروفیسور سید حسین مدرسی طباطبائی، مدرس پیشین در حوزه علمیه قم، دکتر در حقوق از دانشگاه آکسفورد، عضو مجمع بین‌المللی حقوقدانان، و مؤلف آثار متعدد در علوم و معارف اسلامی است. ایشان در حال حاضر استاد مادام‌العمر کرسی حقوق طبیعی در دانشگاه پرینستون آمریکا است.)

مؤلف درباره هدف و انگیزه و چگونگی تألیف این کتاب نوشته‌اند:

«کتابی که برگردان فارسی آن را اکنون در دست دارید به منظور آشنا ساختن خوانندگان با کلیاتی در باب فقه شیعه تدوین گردید است. این نوشته در دو بخش است: در بخش نخست وصفی به اجمال از محتوای فقه و اصول شیعی انجام شده، و تحولات آن از نظر تاریخی مورد بحث قرار گرفته است. در بخش دوم نام و مشخصات قسمتی از منابع فقهی که مراجعه بدان برای هر بررسی و تحقیق علمی پیرامون مسائل فقهی لازم است، به دست داده شده است.

انگیزه اصلی تحریر این اثر در زبان انگلیسی پر کردن خلأ چشمگیری بوده که در فرهنگ حقوقی غرب نسبت به نظام حقوقی شیعی وجود داشت.... خلأ معلومات در این مورد آن قدر زیاد بود که فی‌المثل در «کتابشناسی فقه اسلام» که توسط یکی از متخصصان حقوق اسلامی در غرب تدوین

زمین در فقه اسلامی است. نقد حاضر نیز کاری به قسمت اول ندارد و تنها به قسمت دوم می پردازد. قسمت دوم کتاب مورد بحث را نویسنده چنین گزارش کرده است:

«لیست منتخبی است از برخی کتابهای موجود و قابل دستیابی در زمینه فقه شیعه که در دو بخش تنظیم شده است: در بخش نخست اهم آثار فقه استدلالی - اعم از متون جامع و تک نگاری ها - که به وسیله دانشمندان مشهور شیعی نوشته شده است ذکر می شود... در بخش دوم تعدادی از رسائل عملیه که بیشتر به فارسی نوشته شده است به عنوان نمونه یاد می شود. این هر دو بخش براساس ترتیب تاریخی، با توجه به تاریخ وفات مؤلفان تنظیم گردیده است... و تنها آثاری که چاپ شده و یا اگر هنوز به صورت مخطوط باقی است نسخی از آن در کتابخانه ها و مجموعه هایی است که قابل دسترسی است در این فهرستها یاد گردیده است... [نیز] نسخ خطی که برای هر اثر ذکر می شود در بیشتر موارد براساس قدمت آنها ذکر گردیده است، و البته در مورد آثار قرن نهم به بعد، اگر در یک کتابخانه بیش از یک نسخه وجود داشته برای احتراز از تکرار اسم کتابخانه نسخ متأخرتر پس از نسخه اقدم ذکر شده است. پس ترتیب تاریخی در واقع میان نسخی است که در اول هر سطر پس از نام کتابخانه مأخذ ذکر می شود. در مورد کتابهای شایع که نسخ بسیاری از آن در دست است، تنها اقدم و اهم نسخ یاد گردیده است.»

این قبیل آثار بدون تردید از ضروری ترین و سودمندترین آثار در علوم اسلامی و بویژه دانش فقه است. کتابشناسی هر علم که اساس آگاهی به تاریخ علم و چگونگی و تطور آن است، راه تحقیق در آن را بسیار هموار، و از دوباره کاری و تکرار مکررات و نوشتنهای بی حاصل جلوگیری می کند. بدون توجه به این امر، چه بسا دانشمندی سالها عمر خود را صرف پژوهش در موضوعی کند که سالها یا قرنهای پیش، دانشمندان دیگری بهتر و جامعتر، همان کار و تحقیق را انجام داده است؛ و گذشته از آنکه سرمایه عمر عزیز بر باد رفته است؛ علم هم پیشرفتی درخور نگذرد است. بنابراین اثر مزبور برای کسانی که به هرگونه با فقه سروکار دارند، بسیار سودمند و خواندنی است.

مقدمه ای بر فقه شیعه کلیات و کتابشناسی

تألیف
سید زین العابدین
ترجمه
محمد آصف فخرت

ثمره بسیار مهم دیگر «مقدمه ای بر فقه شیعه» این است که انسان با مطالعه آن، از اهم آثار فقهی موجود شیعه - اعم از چاپی و خطی - آگاه می شود. و چون بسیاری از تألیفات دانشمندان شیعه در زمینه دانش فقه از دست رفته است؛ آگاهی از اینکه کدام کتابها از بین رفته، مستلزم صرف وقت بسیار و تفحص در کتابهای مختلف است. و این کتاب، این راه را نیز هموار کرده، و از هر کتابی که نام نبرده - بخصوص کتابهایی که تا پیش از سده یازدهم تألیف شده - نشانه مفقود شدن آن، و دست کم نبودن آن در کتابخانه هایی است که مخطوطات آنها فهرست شده است. چه اینکه نویسنده تقریباً کلیه فهرستهای خطی دنیا را بررسی کرده و اگر نسخه ای از کتابی موجود بوده، یاد کرده است. اگر چه تا هنگامی که همه کتابهای کتابخانه های عمومی و شخصی دنیا، شناسایی و فهرست نشود، نمی توان یقین کرد که چه کتابهایی از دست رفته است؛ ولی از سوی دیگر هم نمی شود از این گونه کارها روی بر تافت و دست روی دست گذاشت به امید آنکه فهرست کتابهای همه

کتابخانه‌ها تدوین و منتشر شود.

نویسنده در راه به سامان آوردن این اثر، انصافاً کوشش و تلاش بسیار کرده است. کسانی که با فهرست نسخه‌های خطی و کتابشناسی آشنایی دارند و از دشواریهای کار آگاهند، به این کتاب به دیدهٔ اعجاب و تحسین می‌نگرند و این همه زحمت را می‌ستایند.

از آنجا که هر چه سنگینی کار بیشتر باشد، لغزش انسان و رُخ دادن خطا هم در آن بیشتر است؛ روی دادن اشتباه در این گونه آثار کاملاً طبیعی است و بر کتابشناسان و آگاهان است که با یادآوریهای سودمند خود این کار را تکمیل کنند. نگارنده با توجه به مشکلات کار، برخی از نقایص و اشتباهاتی که در اثر مورد بحث به نظر قاصرش رسیده، در اینجا برمی‌شمارد؛ باشد که قدمی در راه تکمیل آن برداشته باشد.

پیش از ورود به بیان ایرادات، تذکر این نکته ضروری است که در فهرست نسخه‌های خطی بسیاری از کتابخانه‌ها، تسامح بسیار رفته و خطاهای فراوان رُخ داده، و بسیاری از ایرادات کتاب مورد نقد ما از آن فهرستها سرایت کرده و منتقل شده است:

۱. در ص ۸۵ دربارهٔ منتجب‌الدین رازی گفته شده «زنده در ۵۸۵»، و قبل از این شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) و ابن ادریس (م ۵۹۸) ذکر شده است. گفتنی است منتجب‌الدین تا سال ۶۰۰ زنده بوده^۱ و برای رعایت ترتیب تاریخی لازم بوده است که بعد از ابن شهر آشوب و ابن ادریس ذکر شود.

۲. در ص ۱۰۷، وفات یحیی بن سعید (صاحب الجامع للنشائ) به سال ۵۸۹ ذکر شده است که قطعاً اشتباه است و او در سال ۶۸۹ یا ۶۹۰ از دنیا رفته است. و ظاهراً این اشتباه چاپی یا کتبی است و ۵۸۹ مصحف ۶۸۹ است.

۳. در ص ۱۲۸، تاریخ کتابت یک نسخهٔ مختلف علامه که در مدرسهٔ آخوند در همدان بوده، سال ۷۸۷ ذکر شده که البته اشتباه است. این تاریخ در فهرست مدرسهٔ آخوند ذکر شده، ولی در خود نسخه که نگارنده آن را ملاحظه کرده است، تاریخ ۷۳۷ دیده می‌شود.

۴. در ص ۱۴۳، یکی از نسخ شرح الفیه نوشتهٔ محقق کرکی، نسخهٔ شمارهٔ ۶۸۰/۱ کتابخانهٔ آیه الله مرعشی دانسته شده است؛ ولی در فهرست کتابخانهٔ مذکور (ج ۲، ص ۲۷۳)،

نسخهٔ شمارهٔ ۶۸۰/۱، نسخهٔ کتاب الجعفریة محقق کرکی دانسته شده و نه شرح الفیه.

۵. در ص ۱۴۴ و ۱۸۳ و ۴۱۴ و ۴۱۶ و نیز برخی صفحات دیگر، شهادت شهید ثانی به سال ۹۶۶ ذکر شده که صحیح آن ۹۶۵ است. ادلهٔ این مدعا در مقدمهٔ مصحح منیه المرید به تفصیل آمده است.^۲

۶. در ص ۱۴۸ (شمارهٔ ۱۲۰)، در بخش آثار شهید اول، رسالهٔ خلل الصلاة که همراه کتاب بیان شهید، چاپ سنگی شده، از شهید دانسته شده است؛ در حالی که قطعاً از شهید اول نیست و از مؤلفی دیگر است و به گمان قوی تألیف محقق کرکی است.^۳

۷. در ص ۱۴۴، ضمن معرفی حاشیهٔ شهید ثانی بر الفیه شهید اول، سه نسخهٔ آن را معرفی کرده است: یکی متعلق به کتابخانه [شمارهٔ ۱] مجلس شورای اسلامی، شمارهٔ ۸۱/۷ (از مجموعهٔ امام جمعهٔ خوئی)؛ و دومی متعلق به کتابخانهٔ مدرسهٔ آخوند در همدان، شمارهٔ ۷۶۲؛ و سومی متعلق به کتابخانهٔ آقای مفتاح. تصویر نسخهٔ مدرسهٔ آخوند و نسخهٔ مجلس هم اینک در اختیار من است و با مقایسهٔ آنها معلوم می‌شود که این دو نسخه ربطی به هم ندارند و دو نسخه از دو کتاب است و نه یک کتاب. حل این مشکل را و اینکه هریک از دو نسخه، مربوط به چه کتابی است «این زمان بگذار تا وقت دیگر.»

۸. در همان صفحه، حاشیهٔ دیگری از شهید ثانی بر الفیه را یاد کرده و دو نسخهٔ آن را معرفی کرده‌اند: یکی نسخهٔ شمارهٔ ۲۳۷۱ آستان قدس رضوی علیه السلام؛ و دیگری نسخهٔ شمارهٔ ۵۳/۲ کتابخانهٔ آیه الله مرعشی. این دو نسخه هم با یکدیگر سازگار نیست. تصویر نسخهٔ آستان قدس رضوی اینک پیش روی حقیر است و آغاز و انجام نسخهٔ مرعشی هم در فهرست آن (ج ۱، ص ۶۳) ذکر شده است. با مقایسهٔ این دو، معلوم می‌شود که مناسبتی با هم ندارند و ظاهراً دو نسخه از دو کتاب است و نه یک کتاب.

۹. در ص ۱۳۰، وفات سید ضیاء الدین حسینی حلی، برادر سید عمید الدین (م ۷۵۴)، و پسرخواهر علامهٔ حلی (م ۷۲۶)، به سال ۸۴۰ ذکر شده که قطعاً اشتباه است.

۱۰. در ص ۱۰۲، دو نسخه از حاشیهٔ شهید ثانی بر المختصر النافع را معرفی کرده‌اند: یکی نسخهٔ شمارهٔ ۱۰۹۵

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ و دیگری نسخه شماره ۵۳۴۰/۱ کتابخانه [شماره ۱] مجلس شورای اسلامی. که این دو نسخه نیز، دو نسخه یک کتاب نیست. نسخه دانشگاه، حاشیه بر تمام المختصر النافع و موجز و کوتاه است و نسخه مجلس، فقط قسمت میراث است. البته در مجموعه ای که نسخه یاد شده مجلس است، نسخه دیگری به شماره ۵۳۴۰/۲ وجود دارد که آن هم حاشیه کتاب مذکور تا بحث نماز میت و مفصل است و مانند نسخه دانشگاه نیست. و با اینکه تنها تا بحث نماز میت است تقریباً دو برابر نسخه دانشگاه است که حاشیه سراسر کتاب است.

۱۱. دوگونگی هم در کتاب دیده می شود؛ از جمله: در ص ۱۴۶، وفات صاحب درمنثور (شیخ علی عاملی)، به سال ۱۱۰۴ ذکر شده و در ص ۱۵۰ و ۲۵۶، به سال ۱۱۰۳. نیز در ص ۲۴۷، نام کتابی الانوار اللوامع ذکر شده و در ص ۳۱۵، الانوار اللامعة. جالب اینکه در فهرست کتابها (ص ۴۲۸)، یک بار الانوار اللامعة آمده و به ص ۳۱۵ ارجاع شده، و بار دیگر الانوار اللوامع و به ص ۲۴۷ ارجاع شده است. نیز نام شرح قواعد فخرالمحققین در ص ۱۲۱ ایضاح القواعد و در ص ۱۳۲ ایضاح الفوائد ذکر شده است. و عجیب اینکه در فهرست کتابها (ص ۴۲۸)، یک بار ایضاح الفوائد ذکر شده و به ص ۱۳۲ ارجاع شده و یک بار ایضاح القواعد و ارجاع به ص ۱۲۱ شده است.

۱۲. در ص ۱۴۹، ضمن بحث از قواعد و فوائد شهید اول، تحت عنوان تلخیص و تنظیم کتاب مذکور، تمهید القواعد شهید ثانی را هم تلخیص و تنظیم قواعد شهید اول دانسته اند؛ در حالی که تمهید القواعد شهید ثانی کتاب مستقلی است و تقریباً ربطی به قواعد شهید اول ندارد؛ بلکه شامل صدقاعده اصولی و صدقاعده ادبی است. و اسامی شهید ثانی در اجازه اش به شیخ تاج الدین بن هلال جزائری، از چند کتاب خود و از جمله تمهید القواعد نام می برد و از هیچ یک از آنها جز تمهید القواعد تعریف نکرده؛ و درباره اش نوشته است: «وهو کتاب واحد فی فته بحمد الله و منه، ومن وقف علی الکتاب المؤمی الیه علم حقیقه ما نبهنا علیه.»^۴ همچنین ابن عودی شاگرد شهید، درباره این کتاب گفته است: «سلك فيه مسلکاً بدیعاً و منهجاً غریباً ما سبق الیه... ولقد وصفنا هذا الکتاب لبعض فضلاء العجم بقزوين فقال مثل قواعد الشهيد؟ قلنا أحسن. فقال: دعوی

عظيمة، فقلنا الشاهد حاضر، ودفعنا الیه الکتاب فأخذه الی منزله و فی الیوم الثانی ارسل یرسل متأذن متأذن فی تقطیع اجزائه و تفریقها علی الکتاب لیکتبوه عاجلاً، فکتبه فی ایام قلائل و مدحه.»^۵ پیداست که چنانچه تمهید القواعد تنها تلخیص و تنظیم کتاب شهید اول بود، چنین سخنی درباره اش صادق نبود. گرچه ممکن است از قواعد شهید هم در تألیف آن استفاده شده باشد؛ که البته باید با مقایسه دقیق به نتیجه قطعی رسید.

۱۳. در ص ۱۹۸ (شماره ۲۵۵)، پس از ذکر تمهید القواعد، به «ذیل قواعد، شماره ۸۵» ارجاع داده اند. در حالی که قواعد مذکور تحت شماره ۸۵، قواعد علامه حلی است که مطلقاً ربطی با تمهید القواعد ندارد و باید به «ذیل قواعد و فوائد، شماره ۱۲۳» ارجاع داده می شد. (البته با قطع نظر از ایراد قبلی).

۱۴. در ص ۱۹۸ (شماره ۲۶۲)، کتابی به نام مناسک الحج به شهید ثانی نسبت داده و هفت نسخه خطی آن را معرفی کرده اند؛ که البته اثر یاد شده قطعاً از شهید ثانی نیست؛ بلکه از محقق کرکی است و در مجموعه رسائل محقق کرکی چاپ شده است.^۶ و هفت نسخه ای هم که معرفی کرده اند، برخی مربوط به رساله کرکی درباره مناسک حج است و برخی هم نسخه دیگر آثار شهید است. زیرا از جمله هفت نسخه مذکور، نسخه شماره ۳۳۰۷/۲ کتابخانه آیه الله مرعشی، همان رساله مذکور محقق کرکی است؛ و نسخه شماره ۷۰۶۵/۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه کتاب دیگری از شهید است که نویسنده ذیل شماره ۲۶۱ از آن یاد کرده اند؛ و نسخه مدرسه شیرازی در سامراء (به نقل از ذریعه، ج ۲۴، ص ۴۴۱)، نسخه کتاب دیگری از شهید به نام نیه الحج والعمرة است.

۱۵. همان صفحه ذیل شماره ۲۶۱، از مناسک الحج الکبیر تألیف شهید ثانی یاد کرده و هفت نسخه خطی آن را معرفی کرده اند که از آن هفت نسخه، دو نسخه مربوط به کتابهای دیگر شهید است و نه مناسک الحج الکبیر. زیرا نسخه شماره ۲۰۹۹/۱۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه نیه الحج والعمرة شهید است؛ و نسخه شماره ۲۳۹۵/۷ کتابخانه ملک هم، قطعاً نسخه مناسک الحج الکبیر نیست و احتمالاً همان نیه الحج والعمرة است.

۱۶. در صفحه ۱۹۹ (شماره ۲۶۳)؛ یکی از تألیفات شهید ثانی را صیغ العقود دانسته و سه نسخه خطی آن را معرفی کرده اند که قطعاً شهید ثانی کتابی به نام صیغ العقود^۷ ندارد. و از آن سه نسخه خطی هم، نسخه شماره ۶۸۲/۲ کتابخانه آیه الله گلیپایگانی، همان جواهر الکلمات صیمری است؛ گرچه در فهرست آن (ج ۲، ص ۱۰۲)، اشتیباً به شهید نسبت داده شده است؛ و نسخه شماره ۷۸۶/۲ کتابخانه مدرسه آخوند در همدان و دو نسخه ای که در ذریعه (ج ۵، ص ۲۷۸ و ج ۱۵، ص ۱۰۹) مذکور است، صیغ العقود محقق کرکی است.

۱۷. در ص ۲۲۸ (شماره ۳۷۵)، حاشیه میسنی بر فوائد الشرائع کرکی ذکر شده و به «ذیل شرائع، به شماره ۵۸» ارجاع شده که نادرست است، و باید به «ذیل فوائد الشرائع، شماره ۱۷۸» ارجاع شود. زیرا کتاب مذکور، شرح شرائع محقق حلی نیست؛ بلکه شرح فوائد الشرائع نوشته محقق کرکی است.

۱۸. در ص ۲۳۴ آمده است: «معزالدین... مشهدی زنده در ۱۰۴۴»؛ و قبل از وی در ص ۲۳۳: «مرتضی بن محمد حسینی ساروی زنده در ۱۰۴۹» آمده است که اگر این تاریخها درست باشد لازم بود ساروی بعد از مشهدی ذکر شود. (زیرا نویسنده صریحاً در آغاز کتاب و در ص ۶۶ متذکر شده که ترتیب تاریخی رعایت می شود). و همچنین در ص ۳۴۲، نام محسن خنفر نجفی آمده و متوفای ۱۲۷۰ ذکر شده؛ و پس از آن در ص ۳۴۳، نام صاحب جواهر (متوفای ۱۲۶۶) آمده که یا باید صاحب جواهر قبل از محسن خنفر ذکر می شد و یا تاریخ ۱۲۷۰ نادرست است. نیز در ص ۳۷۷ شماره های «۱۰۷۲- معتقد الامامیه» و «۱۰۷۳- کتاب فقه» باید جایجا شود چون مؤلف معتقد الامامیه را زنده در ۶۹۸ دانسته اند و درباره «کتاب فقه» مذکور ذیل ۱۰۷۳ توانسته اند: «از قرن های ۶-۷».

۱۹. نام برخی از کتابها به طور ناقص ذکر شده که گویا نیست، یا نیازمند توضیح بوده و توضیحی داده نشده است. مثلاً در ص ۲۷۰، یکی از آثار احمد بن ابراهیم بحرانی، «تعلیق علی مبحث الزوال» ذکر شده که خواننده مطلقاً متوجه نمی شود که تعلیق بر مبحث زوال چه کتابی است. مگر با مراجعه به فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۱۶، ص ۶۰۸) که معلوم می شود تعلیق بر مبحث زوال کتاب شرح لمعه است. نیز در ص ۳۷۵، نام کتاب مرجوم آیه الله شیخ

مرتضی حائری - قدس سره الشریف - «ابتغاء الفضیلة» ذکر شده، که کاملش ابتغاء الفضیلة فی شرح الوسیلة است. اثر مزبور شرح وسیله النجاة مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی - ره - است.

۲۰. در ص ۲۷۶، وفات فاضل هندی به سال ۱۱۳۷ ذکر شده؛ ولی ظاهراً نادرست است و صحیح آن ۱۱۳۴ است. در این زمینه جناب آقای سید محمد جواد شبیری چنین نوشته اند:

هر چند اصحاب تراجم به تاریخ ۱۱۳۷ تصریح کرده اند و بر سنگ مزار وی (در مقابر لسان الأرض) چنین مرقوم شده؛ ولی ظاهراً نادرست است. زیرا شیخ محمد علی حزین که با فاضل هندی دوست بود و خود در حصر اصفهان به دست افغانها به سال ۱۱۳۴ گرفتار شده، در کتاب تاریخ حزین (ص ۶۴) می گوید که او چندی قبل از حادثه اصفهان درگذشت. و این کلام بر تصریح کتب تراجم و غیر آن مقدم است.^۸

۲۱. در ص ۱۸۳، از شرح شهید ثانی بر قواعد علامه حلی یاد کرده و هشت نسخه خطی آن را ذکر کرده اند؛ از جمله نسخه شماره ۱۵۸۵ [ظ ۱۵۷۵] کتابخانه وزیری یزد. ولی مشخصاتی که برای این نسخه در فهرست وزیری (ج ۳، ص ۹۹۳) آمده، با شرح قواعد شهید ثانی سازگار نیست. زیرا به تصریح شاگرد ملازم شهید، ابن عودی^۱، و شیخ آقا بزرگ تهرانی در ذریعه (ج ۶، ص ۱۷۱، شماره ۹۲۷)؛ شهید تا پیش از کتاب التجارة، قواعد را شرح نکرده است. دو نسخه خطی این شرح، یکی متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی و دیگری متعلق به کتابخانه آیه الله مرعشی ملاحظه شد و تنها از اول قواعد تا اواخر کتاب متاجر (یعنی تا آخر فصل اول از مقصد سادس، آخرین مقصد کتاب متاجر) را شامل است. ولی در فهرست وزیری (ج ۳، ص ۹۹۳)، درباره نسخه مزبور می خوانیم که آغازش چنین است: «المقصد الثالث فی إحياء الموات. قال فی التحریز: الموات مالا ینتفع به». در حالی که شرح شهید هرگز به این بحث نمی رسد و کتاب متاجر - در قواعد چندین کتاب پیش از احياء موات است.

۲۲. در ص ۳۱۶ وفات سید محمد جواد عاملی (صاحب مفتاح الكرامة) به سال ۱۲۲۶ ذکر شده؛ ولی شواهد نشان می دهد که وی در سال ۱۲۲۷ زنده بوده است.^{۱۰}